ابعاد رشد در مدينه فاضله مهدوي از ديدگاه آيت الله جوادي آملي

 نرجس عبديائي

چكيده

در آموزه‌هاي اسلام و آراي مسلمانان، مباحث متعددي در ارتباط با نظام اسلامي مطلوب يا همان مدينه فاضله وجود دارد كه در اين راستا مي‌توان ابعاد پيشرفت نظام اسلامي ايران با چشم‌انداز الگوي مدينه فاضله مهدوي را بررسي كرد. آيت الله جوادي آملي، پيشرفت نظام اسلامي را مبتني بر نقش محوري رهبر آن مي‌داند كه در عصر غيبت، ولايت فقيه و در عصر ظهور، امامت انسان كامل يعني حضرت ولي عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف به آن مشروعيت مي‌بخشد. همچنين نقش مديران و شاخصه‌هاي مديريتي آن‌ها در رسيدن به رشد و پيشرفت كشور با توجه به الگوي مدينه فاضله مهم است.از نظر آيت الله جوادي آملي، اسلام در حوزه‌هاي فرهنگي، اقتصادي و حقوقي، داراي آموزه‌هاي روشنگرانه و سازنده‌اي براي تكامل و پيشرفت نظام اسلامي به واسطه الگوي مدينه فاضله است.

كليد واژه‌ها: مدينه فاضله، امامت، رشد فرهنگي، رشد حقوقي، رشد صنعتي، آيت الله جوادي آملي.

مقدمه

آيت الله جوادي آملي، مفسر قرآن و از نظريه پردازان مبحث حكومت ديني و لوازم آن از منظر اسلام است. وي، پيشرفت و لوازم آن را از شؤون جامعه انساني مي‌داند، شؤوني كه در دين، بدون حكم نيستند.در اين پژوهش، سعي شده است با بررسي ديدگاه اين بزرگوار دربارة رشد و پيشرفت و ابعاد آن كه عمدتاً با استناد به منابع اسلامي است، اين سؤال بررسي شود كه: «آيا رشد و پيشرفت درالگوي مدينه فاضله اسلامي، مفهوم و جايگاهي دارد يا نه؟» اگر جواب مثبت است، چگونه و در چه محورهايي قابل طرح است؟ در پاسخ به اين سؤال، فرض كرديم با توجه به ديدگاه آيت الله جوادي آملي، در مدينه فاضله اسلامي، مفهوم رشد و پيشرفت، جايگاه معيني دارد و در شاخصه‌هاي فرهنگي، حقوقي و صنعتي مدينه فاضله، مي‌توان ويژگي‌ها و ابعاد آن را بررسي كرد.

از نظر آيت الله جوادي آملي پيشرفت يا توسعه «فرايندي است كه متضمن رشد مداوم در ابزار و روابط مادي و معنوي و بنيان‌هاي اقتصادي ـ اجتماعي مي‌باشد و انسان در اين جريان مي‌تواند به كمال برسد» (جوادي آملي، 1380: ص 213)؛ پس رشد در آموزه‌هاي اسلامي، جرياني پويا و مداوم و همه جانبه با هدف به كمال رسيدن انسان است.

برخي با انحراف از مسير صحيح رشد، همّ و غمشان در پيشرفت و توسعه، رشد مالي به منظور رفاه طلبي، رشد مصرفي، ‌رشد و توسعه شخصي به معناي زراندوزي بيشتر و بخل و… است؛ لذا رشد سرمايه داري اگر به منظور جمع مال و رفاه و راحت طلبي و فخرفروشي است، در اين رده جاي مي‌گيرد: ‌«كساني كه فقط به فكر توسعه شخصي‌اند، مسرفين، مترفين، مرفهين افرادي هستند كه چون چهارپايان مي‌خورند» (همان: ص219). اين‌گونه رفتارها به نام رشد و پيشرفت، مطرود است. زماني هم انسان براي رفع نياز خود و جامعه تلاش مي‌كند؛ ولي چون به منظور افزايش ثروت، حب مال و تكاثر نيست، اين رشد، معناي كوثر مي‌گيرد و مقبول است؛ براي نمونه: «توسعه اقتصادي به معناي افزايش سرمايه، بر اساس خودمحوري و تكاثر، مذموم و راه شيطان است؛ اما توسعه اقتصادي و داشتن كارخانجات و مزرعه و امكانات مادي به منظور رفع نياز نيازمندان، محبوب و مطلوب دين است» (همان: ص 223). اهداف حقيقي و نحوه استفاده از اين مواهب است كه تمايز بين اين دو مطلب (كوثر و تكاثر) را سبب مي‌شود.

امامت و رهبري در مدينه فاضله

از نظر آيت الله جوادي آملي، انگيزه نهايي بعثت پيامبران، پيروزي دين خدا بر همة مكتب‌هاي باطل و منسوخ است: (ليظهره علي الدين كله و لوكره المشركون) (توبه: 33 و صف: 9)، و مهم‌ترين عامل تحقق چنين حكومتي نيز رهبري انسان‌هاي كامل معصوم ـ به ويژه وجود مبارك حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف ـ است (جوادي آملي، 1387: ص 94).

آيت‌ا… جوادي آملي در توصيف اين انسان كامل كه خليفه خداوند در زمين است(اشاره به سوره بقره:30)، مي‌فرمايد:

وجودي عنصري دارد كه در عالم طبيعت است و جامعه در خدمت اويند و وجودي مثالي دارد كه ملكوتيان در مشهد و محضر اويند و وجودي جبروتي دارد كه عقول عاليه در خدمت اويند و يك وجود خلافت مطلق دارد كه در مشهد و محضر مستخلف عنه خود، از همه مستور و غايب است (جوادي آملي، 1387: ص110).

اين انسان كامل كه رهبري مدينه فاضله مهدوي را دارد يعني حضرت ولي عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف، داراي دو ويژگي محوري است: 1. بعد علمي كه رأي او بر قرآن عرضه مي‌شود. 2. بعد عملي كه هواي نفس و… را تابع هدايت قرار مي‌دهد. (همان: ص111و112). رهبر با دو رسالت عمده و محوري، مدينه فاضله را تشكيل داده و پيشرفت و تكامل آن را مديريت مي‌كند: يكي رسالت حراست از وحي و اقامه معارف آن و ديگري رسالت حراست از سلامت عقل و بصيرت بشريت (رك: همان: ص251 ـ 253). وي از اين دو مأموريت با عنوان نخستين سر فصل‌هاي حكومت حق مهدوي و مبناي هندسه دولت كريمه ياد مي‌كند (همان: ص254).

از سوي ديگر، الگوي نظام اسلامي ايران در عصر غيبت، مدينه فاضله مهدوي است و در اين راستا، سلسله رهبري اسلام، اين‌گونه تبيين مي‌شود:

واجبات و محرمات مقطعي در زمان رسول الله، به دست خود حضرتش بوده است و در زمان معصومين عليهم السلام به دست تواناي آن‌ها و در زمان غيبت، به دست كسي كه نايب ائمه معصومين هستند، خواهد بود (جوادي آملي، 1363: ص94).

 اين انقلاب اسلامي ايران، از جهات متعددي آينه انقلا ب عظيم مهدوي مي‌باشد:

1. اين انقلاب‌ها هر دو نقطه عطف تاريخ مي‌باشند كه به تغيير كل جهان و نظام طاغوتي آن، منجر مي‌شوند.

2. در هر دو اين انقلاب‌ها قلب‌هاي انسان‌ها دگرگون مي‌شود. اين تحول قلوب، بر اساس كريمة «يهدون بامرنا (انبيا: 73)» در جهت هدايت انسان‌ها است (جوادي آملي، 1387، ص 159و160).

در نظام اسلامي عصر غيبت نيز رهبري، نقش اساسي را ايفا مي‌كند و اعتبار و مشروعيت همه ساختار و اركان نظام به او است. آيت الله جوادي آملي درمفهوم و ضرورت اين مطلب، معتقد است:

آن كه منوب عنه را نشناخت، به شناخت نايب راه نمي‌يابد. امام معصوم، نايب رسول اكرم است و ولايت فقيه، عهده دار نيابت عام امام معصوم؛ پس آن كه وحي و نبوت را نشناخت، امام شناس نمي‌شود و آن كه امام شناس نشد، نيابت عام و ولايت فقيه را نخواهد شناخت و شخص فقيه نيز تابع فقاهت خواهد بود (همان: ص152).

از نظر وي:

فقيه جامع شرايط در زمينه‌هاي مختلف اجتماعي ـ چه در امور فرهنگي نظير تعليم و تربيت و تنظيم نظام آموزشي صالح، چه در امور اقتصادي مانند منابع طبيعي، جنگل‌ها، معادن و درياها و… چه در امور سياسي داخلي و خارجي مانند روابط بين الملل و در زمينه‌هاي نظامي همانند دفاع در برابر مهاجمان و تجهيز نيروهاي رزمي و در ساير امور لازم ـ به تطبيق قوانين اسلام و اجراي آن مبادرت مي‌ورزد (جوادي آملي، 1378: ص 244-242).

در همين راستا، ويژگي‌هاي اين دو نظام اسلامي در عصر ظهور و غيبت نيز با تفاوت درجات و توجه به اختصاصات آن‌ها در مسير هم مي‌باشد و نظام مبتني بر ولايت عام امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف چشم انداز نظام و مدينه فاضله مهدوي را در پيشرفت و تكامل و زمينه سازي ظهور، در نظر دارد:

برخي از افراد در انقلاب و تحول عميق عصر مهدويت كه با محدودي از شاگردان و سربازان ويژه آن حضرت آغاز مي‌گردد و سر انجام به تغيير نظام حاكم بر پهنه زمين خواهد انجاميد، تشكيك روا مي‌دارند و چنين تحول عظيمي را كه به ياري گروهي به ظاهر اندك انجام مي‌شود، بعيد مي‌دانند (جوادي آملي، 1387: ص58).

2. ويژگيهاي مديران مدينه فاضله

ابعاد رشد در نظام اسلامي را مي‌توان از زاويه تأثير شاخصه‌هاي شخصيتي مديران و نيز نوع مديريت آن‌ها در نظام اسلامي بررسي كرد. اين بخش، به ابعاد انساني و فردي مدير يا كارگزار مي‌پردازد. چه شاخصه‌هايي براي يك فرد يا كارگزار سياسي لازم است تا او را در مديريت و رهبري و سازماندهي رشد نظام هدايت كند؟ اين شاخصه، در سطوح مختلف كارگزاران و مديران اجرايي و تصميم گيري به طور كامل وجود خواهد داشت و هر چه مسؤوليت، بالاتر رود، عمق و تأكيد و ضرورت آن شاخصه‌ها بيشتر نمود مي‌يابد؛ اما وجود آن براي همه كارگزاران نظام اسلامي لازم است:

تخصص و تعهد: اين ويژگي، در رشد كمي و كيفي امور مؤثر است و فردي كه تخصص و تعهد دارد، از انضباط و وجدان كاري برخوردار است. از طرفي جامعه‌اي كه كار را به كاردان نمي‌سپارد، همواره سير نزولي خود را طي مي‌كند، نه سير پيشرفت و توسعه. و از سوي ديگر، تعهد در كار موجب مي‌شود كه شخص، متوجه نياز جامعه باشد و از شغل‌هاي كاذبي كه در عينِ داشتن درآمدهاي كلان شخصي، به پيكر اقتصادي جامعه خسارت وارد مي‌كند، بپرهيزد. چه در بخش خصوصي و چه عمومي، مديريت و سياست‌هاي نظام، بايد با تعهد و تخصص سياستگزار گره بخورد، تا پيشرفت به جاي خسارت باشد.

اتقان در مسؤوليت: انجام هر مسؤوليتي بدون در نظر گرفتن ضوابط، جوانب و پيامدهاي آن، نافرجام و بي‌حاصل است. به طور عموم در اسلام از كم كاري، خيانت و تزوير در كار، نيرنگ و پنهان كردن حقيقت به شدت نكوهش شده است (جوادي آملي، 1380: ص 163-157).

پايداري در مسؤوليت: شخص با استقامت، سختي‌هاي موقت و محروميت‌هاي مقطعي را ناديده مي‌گيرد و براي رسيدن به هدف، همه جانبه مي‌كوشد. از قرآن كريم (اعراف: 85) استفاده مي‌شود كه استقامت، موجب تقويت و آرامش دل و وسعت رزق است.

اخلاص در كار: اخلاص، ضمن تقويت جنبة عبادي مسؤوليت، به آن، رنگ تقدس مي‌بخشد و به منزله زينت و زيور عمل است.

انتخاب مسؤوليتي مناسب: اسلام، برخي شغل‌ها را واجب، بعضي را حرام، بخشي را مستحب و برخي را مكروه مي‌داند. خداوند متعال، كارهاي شكوهمند و عالي را دوست دارد و كارهاي پست را خوش ندارد.

اعمال تخصص در طليعه كار: ممكن است فرد متخصص، مسؤوليتي بپذيرد؛ ولي در برخي بخش‌ها، از توجه به تخصص خودش غفلت كند. لازم است هر كاري از ورودي، نقشه، معيار، الگو و اندازه بگذرد، تا به وسيلة تخصص، از افزايش بي‌جا يا كاهش بي‌مورد جلوگيري شود. امام علي عليه السلام فرمود: «نخست اندازه بگير، آن گاه برش بده. ابتدا بينديش، سپس بگو. اول روشن و آگاه شو، ‌آن‌گاه كار كن» (آمدي، بي‌تا: ج4، ص56).

اين‌جا دو نكته به دست مي‌آيد: 1. تلاش در توليد و كوشش در عرضه كالاهاي مورد نياز جامعه، نه تلاش در مصرف؛ 2. قناعت در مصرف، نه قناعت در توليد، و عكس آن، يعني تلاش در مصرف و قناعت در توليد، پسنديده نيست.

خلاقيت در كار و مسؤوليت: اصل كار و مسؤوليت، به منزله دميدن روح هنر در كالبد طبيعت است، تا صنايع آدميان، تبلوري از حيات هنر و تجلي زنده بودن و زنده شدن باشد.

دلپذير بودن مسؤوليت: اصل هر چيز را روح ملكوتي آن تشكيل مي‌دهد؛ لذا براي آن كه كار و مسؤوليت كارگزاران، صبغه ملكوتي پيدا كند، لازم است دلپذير و دلاويز بودن در ضمن آن مسؤوليت، ظهور يابد.

كار و مسؤوليت هدفمند: كار و شغلي به صورت هنر مدرن متبلور مي‌شود كه از بدعت، سهل‌انگاري، سست رفتاري و بي‌رونق بودن رهايي يابد و به سنت نوآوري بودن برسند. در اين راستا بايد: 1. كار و مسؤوليت براي هدف برين باشد. 2. هدف، معقول و مقبول جامعه انساني باشد. 3. كارهاي متنوع همانند اعضاي يك پيكر زنده بالنده، مكمل هم باشند. 4. فرهنگ كار، جنبه ديني و مدني خود را تفسير و كارهاي گوناگون نسبت به يك‌ديگر تبلور دهد، تا مكمل هم باشند و تمام نيازهاي صادق جامعه بشري را به بهترين وضع برطرف كنند (همان).

ويژگي‌هاي متوليان امور توسعه در نظام اسلامي و ساختار فكري و رفتاري آن‌ها، در تصميم گيري، اجرا و تكامل نظام، نقش اساسي دارد كه توجه به نهادينه كردن آن، ضروري است.

در مجموع، شاخصه‌هاي فردي (جامعه يا مسؤولان) در مدينه فاضله يا الگوي نظام اسلامي عبارتند از:

1. تخصص و تعهد، 2. اتقان و پايداري در مسؤوليت، 3. اخلاص در كار، 4. تناسب فرد با مسؤوليت، 5. خلاقيت، 6. نظم و محاسبه‌گري، 7. اصلاح و تحول به منظور پيشرفت، 8. هدفمند بودن.

آيت الله جوادي آملي در شرح ابعاد رشد در مدينه فاضله، موارد متعددي را بر‌اي تحقق آن در مدينه فاضله و نظام اسلام قابل ذكر مي‌داند. چهار بعد اصلي كه لازمه رشد نظام اسلامي هستند، عبارتند از: 1. رشد فرهنگي، 2. رشد اقتصادي، 3. رشد در فرايند صحيح صنعتي، 4. رشد حقوقي (داخلي و بين المللي).

در مباحث بعد به بيان ديدگاه اين عالم محترم و تبيين آن در اين موارد مي‌پردازيم.

3. بررسي شاخصه‌هاي رشد فرهنگي در مدينه فاضله

در تعريفي فرهنگ، «شامل آداب و رسوم، اطلاعات، تخصص‌ها، علم و هنر، زندگي خانوادگي و مذهب مي‌باشد» (راد، 1382: ص 29).

رشد فرهنگي، در واقع پيشرفت ضابطه‌مند فرهنگ، يعني آداب و رسوم، پيشرفت اطلاعاتي، رشد تخصص‌ها، پيشرفت علم و هنر و توسعه زندگي خانوادگي و نقش مذهب را شامل مي‌شود.

از نظر آيت الله جوادي، زمامدار حكومت اسلامي درباره تأمين و توسعه علمي و فن آوري مسؤول است: (هوالذي بعث في الأميين رسولا منهم يتلوا عليهم آياته و يزكيهم و يعلمهم الكتاب و الحكمة و إن كانوا من قبل لفي ضلال مبين) (جمعه: 2).

در موضوع فرهنگ، دو نكته مهم مد نظر وي عبارتند از: 1. رشد علمي و به دنبال آن، رفع جهالت. 2. رشد اخلاقي و تزكيه نفس كه به رفع ضلالت و گمراهي منجر مي‌شود. اين‌جا رشد علوم را مي‌توان به معناي جامع آن در نظر گرفت:

رشد علوم تجربي: اسلام با ترغيب به علوم تجربي و رياضي و… هم به ترتيب منطقي مباحث آن پرداخته و هم از اكتفاي به آن‌ها و اعتزاز به داشتن آن‌ها و اعمال نابجاي آن‌ها ترهيب نموده است. آيت الله جوادي اصل تحريص اسلام به فراگيري اين گونه از علوم را [به لحاظ روشني] نيازمند به طرح نمي‌دانند‌؛ ولي بيان منطقي مسائل اين علوم به اين است كه سبك متداول تبيين آن‌ها به شرح سير افقي اشيا و تفسير غرضي اسرار طبيعي و رياضي است (جوادي آملي، 1380: ص 183).

وي تبيين و شناخت رشد يافته علوم را با مثالي اين‌گونه مطرح مي‌كند:

مثلاً فلان موجود زميني يا سپهري در گذشته دور چنين بوده است و هم اكنون نيز چنين است و پيش بيني مي‌شود در آينده به فلان صورت در آيد. در اين تفسير، فقط به نظام داخلي امور طبيعي و رياضي پرداخته مي‌شود؛ لكن اسلام به غير از اشاره كوتاه موضوعي به كيفيت ساختار دروني آن‌ها به تبيين نظام فاعلي و نظام غايي آن‌ها نيز همت مي‌گمارد و با رمز گوياي «هو الأول و الآخر» به مبدأ پيدايش اسرار جهان مي‌پردازد و به مبدأ غايي و هدف آن، كاملاً عنايت مي‌كند و علم تجربي و مانند آن را تفسير صحيح كتاب تكويني خداي سبحان دانسته و غفلت از آن را مايه ابتر بودن علوم مي‌داند (همان: ص 183ـ 186).

تأكيد زياد اين عالم بزرگوار به اين كه نقش نظام فاعلي و نظام غايي اگر در علوم تجربي غافل بماند، در واقع، علم ناقص است و اشاره وي به ابتر بودن آن، چيزي شبيه به عقب افتادگي علمي صاحبان چنين علوم و اطلاعاتي مي‌باشد؛ لذا عقب ماندگي يا پيشرفت علمي از نظر وي، علاوه بر مسأله كمي علوم تجربي با تبيين و فهم آن علوم هم به گونه‌اي كه ذكر شد، مرتبط است و اين، شامل تمام علوم تجربي مي‌شود.[1]

رشد علوم عقلي: در اين راستا نيز «تأملات عقلي بشر به تنهايي عقب ماندگي آن است و بايستي در كنار آن‌ها، متوجه ارسال انبيا و انزال وحي بود» (همان، ص 186). در نتيجه، رشد عقلي زماني در مسير صحيح و تشخيص درست است كه در كنار عقل، نسبت به كتاب و سنت، متوجه و متذكر باشد.

علم شهودي: از نظر آيت الله جوادي آملي، علم شهودي، همان تزكيه است و اين دو جداي از هم نيستند:

… برخي بايد به زحمت، تعليم خود را به تزكيه مرتبط كنند؛ يعني بگويند: «خدا، قيامت و حسابي هست؛ لذا من بايد پرهيز كنم»؛ ولي اگر كسي به علم شهودي رسيد، علم او همان تزكيه است و تزكيه او همان تعليم. چنين علمي مطلوب بوده و مقدور وارثان انبيا و اولياي الهي مي‌باشد (جوادي آملي، 1384: ص 166).

در ارزش و جايگاه پيشرفت علمي و نقش كارگزاران آن، به نظر وي:

هر دانشمندي كه با دانش و تحقيق خود در رفع مشكل علمي جامعه مي‌كوشد، يا پزشكي كه بيماران را مداوا مي‌كند، يا مهندسي كه طرح فني مي‌ريزد، يا دانش پژوهي كه در راه دانش رنج مي‌برد، هر كدام از اين كوشش‌هاي علمي و پژوهش‌هاي تحقيقي، مصداق بارزي از مصاديق كارند؛ اما ارزش آن‌ها يكسان نيست (جوادي آملي، 1380: ص 154).

از طرفي نوع كاربرد علوم پيشرفته نيز مهم است؛ چرا كه بايد منجر به «پرهيز از تباهي محيط زيست و عدم محروم كردن ديگران از حقوق خداداد شود» (همان).

هماهنگي علم و تزكيه و نقش آن در پيشرفت

معيار ديگري كه وي در رشد فرهنگي تأكيد دارد، بحث تزكيه است كه راه رهايي از ضلالت مي‌باشد. در فرهنگ جامعه و نظام اسلامي، انحرافات عملي و اخلاقي، راهكاري براي درمان دارد و آن، رشد و ترويج تهذيب روحي انسان‌هاي آن است. به تبع آن، فرهنگي كه از انحرافات رفتاري و اخلاقي در هر بعدي از زندگي فردي و اجتماعي به وسيله رشد و نهادينه كردن علم توأم با تزكيه، پيشگيري مي‌كند، شاخصه فرهنگ مدينه فاضله و الگوي توسعه فرهنگي در نظام اسلامي است:

گاهي انسان عالم است و مواظب است كه به علم خود عمل كند. او هميشه بايد اهل محاسبه باشد، تا علم خود را به عمل برساند؛ اما يك وقت او علمي دارد كه با تزكيه است؛ يعني دو لفظ و دو مفهوم است و يك مصداق. اين علم، رنجي ندارد. البته رسيدن به اين جا سخت است؛ ولي از اين پس، به آساني كار خير را انجام مي‌دهد (جوادي آملي، 1384: ص 165).

توجه به هماهنگي علم و تزكيه در رشد فرهنگي جامعه اسلامي، مبحثي فراتر از همراهي علم و تزكيه است كه در نظام اسلامي رشد يافته مورد توجه قرار مي‌گيرد.

شايد اين مطلب را بتوان در چيزي كه بسيار مورد تأكيد ايشان و از اهداف اصلي حكومت اسلامي است نيز بررسي كرد كه آن، راهنمايي انسان به سوي «خليفة الله» شدن است:

خليفة الله، همان انسان كامل است كه از گزند هر گونه زوال، مصون است. اهميت پرورش روحي به گونه‌اي است كه مدينه فاضله، به مثابه جسم است و خليفة الله به مثابه روح آن و مدينه فاضله را انسان كامل تأسيس مي‌كند (همان: ص 336).

از طرفي وي، اين‌گونه رشد فرهنگي را بر اساس حركت فردي و اجتماعي انسان‌ها با مديريت و رهبري نظام اسلامي اصلي دانسته است كه نوراني شدن جامعه انساني را در پي دارد:

هدف حكومت الهي، نوراني نمودن جامعه انساني است. انسان نوراني، از گزند تيرگي هوي و آسيب تاريكي هوس مصون بوده و از دسيسه وسوسه و پند و مغالطه محفوظ خواهد بود (همان).

مفهوم نوراني كردن چيست؟ از نظر آيت الله جوادي «مردم نوراني، مردمي هستند كه حق را بدانند و طبق دانسته و علم خويش- يعني حق- عمل كنند… » (جوادي آملي، ‌1374: ص 364). نكته مهمي كه اين‌جا مطرح ميشود، مسأله پيروي از حق است كه بي‌توجهي به آن، سد راه علم و سبب زوال حق است:

عدم پيروي از حق، انسان را دچار مشكلات فراوان علمي و عملي و مايه عبرت ديگران مي‌كند و حق، همان است كه از سوي خداي سبحان آمده است: (الحق من ربك فلا تكن من الممترين) (آل عمران: 60)و سر پيچي از آن، مانع كمال عقل است؛ بلكه سبب نقض و زوال آن مي‌گردد (جوادي آملي، 1384: ص122).

ارتباط دقيق بين حق و مفهوم آن و در اين راستا سنجش ميزان صحت و سقم عقل انسان و جامعه، ما را ناگزير مي‌كند كه در مفهوم نقص و كمال عقل و حقانيت ـ به خصوص در آنچه در علوم آكادميك طرح شده است ـ به طور دقيق‌تر مروري بنماييم، تا به تمايزات عقلانيت و حقانيت در انديشه فاضله اسلام كه بر محوريت فرمان خدا است با ديگر مكاتب بشري واقف شويم. از نظر آيت الله جوادي آملي: «تجلي گاه اهداف نهايي (نوراني كردن) و اهداف مياني (عدالت در جامعه) مدينه فاضله‌اي است كه افراد جامعه به يمن تمسك به دين، آن را ايجاد كرده و از وجودش بهره مي‌برند.»(جوادي آملي، 1381: ص26).

در نتيجه تلاش براي رسيدن به اين اهداف فاضله، قسمت عمدة برنامه ريزي مرتبط با رشد فرهنگي نظامي اسلامي را به خود اختصاص مي‌دهد. آثار و نمود تلاش در جهت توسعه علم، رهايي از جهل، رشد تزكيه و رهايي از ضلالت را مي‌توان در ابعاد مختلف فرهنگي در آداب و رسوم، تخصص‌ها، هنر، زندگي خانوادگي، مذهب و… بررسي كرد. اين شؤون مختلف فرهنگي، در اثر پيشرفت و نهادينه شدن دو اصل محوري مذكور در حوزه فرهنگ براي تعالي و سعادت انسان‌ها تثبيت، تصحيح يا تكميل خواهند شد.

در باب سياست‌گزاري فرهنگي در مدينه فاضله مي‌توان موارد زير را جمع بندي كرد:

الف. رشد علمي:

1. پيشرفت علوم تجربي كه با تفسير نظام فاعلي و غايي همراه باشد.

2. رشد علوم عقلي كه همراه كتاب و سنت باشد.

3. در مدينه فاضله، علم مطلوب و رشد يافته، با تزكيه هماهنگ است.

ب. رشد بعد روحي و اخلاقي جامعه:

1. اهميت رشد فضايل اخلاقي در مدينه فاضله --------- هدف مدينه فاضله

2. تشخيص حق از باطل و عمل به حق در مدينه فاضله --------- هدف مدينه فاضله

4. بررسي شاخصه‌هاي رشد اقتصادي در مدينه فاضله

جامعه اسلامي كه الگوي مدينه فاضله را دارد، از لحاظ سياست گزاري‌هاي اقتصادي نيز بايد به سوي رشد و پيشرفت حركت كند. از نظر آيت الله جوادي آملي: توسعه اقتصادي، به وضعيتي از اقتصاد اطلاق مي‌شود كه امكانات مادي براي رشد و تعالي انسان فراهم آمده است. طبيعي است كه اين وضعيت، به معناي دسترسي بيشتر انسان به كالا و خدمات براي به كارگيري آن‌ها در جهت رشد و تعالي نوع بشر، مستلزم توليد بيشتر است و توليد بيشتر، درك و استفاده از روش‌هاي علمي و فني و بهره‌مندي از فناوري است. اسلام، به عنوان دين همه جانبه در رابطه با توسعه اقتصادي حقايقي را بيان كرده كه دولت اسلامي بايد در جهت رساندن جامعه به توسعه اقتصادي برنامه‌ريزي داشته باشند و از طريق كار و كوشش و تلاش و فعاليت، در اين راستا گام بردارند (جوادي آملي، 1380: ص 213).

درباره نكاتي كه آيت الله جوادي مطرح فرمود، اموري قابل توجه است:

1. اقتصاد يا عمل اقتصادي «عملي است كه در آن، عامل منحصراً به نحو مسالمت آميز از سيطره خود بر منابع استفاده مي‌كند، تا اهداف اقتصادي خاص را به دست آورد» (لاريجاني، 1377: ص 358).

2. تأكيد بر توليد و رشد توليدي در اقتصاد در نظر وي در ذيل چند مبحث قابل بررسي است:

1. چه توليد مي‌شود؟ در دولت اسلامي كالايي توليد مي‌شود كه براي ادامه زندگي در جامعه اسلامي ضروري و در واقع، واجب است؛ اما برخي كالاها در اسلام، مصرفش مجاز نيست و در نتيجه توليد آن هم وجهي ندارد. 2. چه مقدار توليد شود؟ اين‌جا توليد كالاهاي تجملي و مصرفي اسراف و اتلاف را به همراه دارد و…. 3. چگونه توليد شود؟ روش توليدي بايستي زيان جبران ناپذير به محيط زيست وارد نكند، با شؤونات اداره نظام اسلامي سازگار باشد و به نسل آينده ضرر نرساند (احمدي: 1378).

نقش افراد در رشد اقتصادي

از نظر آيت الله جوادي آملي رشد اقتصادي در نظام اسلامي، گاهي اوقات در حيطه اختيارات فرد است كه:

فرد، به اصلاح معيشت ديگران بپردازد كه زن و فرزند و والدين، از جمله آن‌ها هستند.

همچنين فرد به تأمين نيازمندي‌هاي محرومان در جامعه اسلامي توجه داشته باشد كه واجب عيني يا كفايي است: «كلكم راع و كلكم مسؤول عن رعيته» (علامه مجلسي، 1403: ج 72، ص 38). افراد، به تأمين نيازمندي محرومان در سراسر امت اسلامي مبادرت ورزند كه اين هم واجب عيني يا كفايي است: «من أصبح لايهتم بأمور المسلمين فليس بمسلم» (كليني، 1414: ج2، ص 164).

تأمين نياز غيرمسلمانان كه از مسلمانان استمداد كنند؛ يعني بر مسلمانان متمكن لازم است براي نجات وي اقدام كنند. رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم مي‌فرمايد: «من سمع رجلا ينادي ياللمسلمين فلم يجبه فليس بمسلم» (همان)؛ يعني اگر كافر و غيرمسلمان از مسلمان كمك خواست و راهي براي تأمين خود نداشت و نيز او مزاحم، رهزن و اهل توطئه بر ضد اسلام و مسلمانان نبود، بايد او را تأمين كرد و استمداد او را اجابت نمود.

حتي اگر حيوان غير مزاحمي گرسنه يا تشنه باشد بايد براي رفع گرسنگي يا تشنگي او اقدام كرد «أفضل الصدقة إبراد كبد حري» (جوادي آملي، 1380: ص 216).

افراد در نظام اسلامي، نقش مهمي در رشد اقتصادي و تأمين نيازهاي جامعه بشريت دارند. هر چه نيازهاي مادي به حكم اسلام، بيشتر و فراگيرتر برطرف شود، بسياري از موانع توسعه اقتصادي حذف و عوامل رشد اقتصادي فراهم مي‌شود و حيطه و گستره توجه به فقر و كاستي‌هاي اقتصادي از افراد، اجتماع، امت، بشريت به سطح همه موجودات مي‌رسد و اين، تفاوت پيشرفت اقتصادي و دقت‌هاي مرتبط با آن، در نظام اسلامي و حكومت‌هاي ديگر مي‌باشد.

وي در بيان اهميت رشد اقتصادي در سيره مديريت اسلامي، آن را بسان ستون فقرات جامعه و مايه قوام مي‌داند: «همان طور كه جاري نشدن خون در بعضي رگ‌ها، موجب فلج شدن آن عضو مي‌شود، مال نيز بايد در همه شرايين جامعه جريان داشته باشد» (همان: ص 221)؛ پس تفاوت ديگر نظام اسلامي و غير آن، در رشد و توسعه اقتصادي، موضوع عدم طبقاتي بودن و جمع آوري ميزان زيادي از منابع و اموال اقتصادي در سيطره گروه خاص مي‌باشد:

در نظام سرمايه‌داري، ثروت‌هاي كلان و سنگين در دست گروه خاصي است. آن‌هايي كه در دنيا داد و ستدهاي مهم را انجام مي‌دهند، محدودند؛ به طوري كه گاه ممكن است شركت‌ها، تراست‌ها، كشتي‌ها يا هواپيماهاي مختلفي را خريداري كرده و بفروشند؛ ولي قرآن، مال را به منزله خون در پيكر جامعه مي‌داند…(همان: ص 222).

قبل از اين كه وارد تأكيدها و معيارهاي آيت الله جوادي در پيشرفت اقتصادي توسط نظام اسلامي شويم، لازم است ويژگي كارگزاران نظام اسلامي را ـ به ويژه در توسعه اقتصادي ـ مطرح كنيم. معيار اين عالم بزرگوار «عقل» است و در مقابل آن، «سفاهت است». كارگزاران توسعه اقتصادي، نبايد سفيه باشند:

انساني كه مال را از راه رشوه يا ربا و بدون توليد صحيح و كسب حلال به دست مي‌آورد و نيز كسي كه مال را از راه صحيح فراهم مي‌كند، ولي در مصرف، اسراف و اتراف دارد، هر دو سفيهند. (همان).

همچنين درباره علائم عقل و عقلانيت كارگزاران پيشرفت اقتصادي، چنين آمده است: «معيار عقل و سفاهت، اطاعت از خدا و تخلف از فرمان خدا است. مطيع فرمان خدا نيكو سرشت و عاقل مي‌باشد و مخالف فرمان خدا، سفيه است» (همان). شايد به نظر ما كسي كه از راه‌هاي اشرافي‌گري يا از راه ربا و توليد نامشروع مالي، سرمايه‌اي جمع مي‌كند، تفكر اقتصادي دارد، ولي لوازم شرعي را رعايت نمي‌كند؛ اما از نظر آيت الله جوادي، او عقل اقتصادي ندارد و سفيه است.

از وظايف اصلي و مشترك حكومت و مردم، شناخت مفسدان اقتصادي و مقابله با آن‌ها است. آن‌ها دقيقاً خلاف رشد اقتصادي مطلوب در نظام اسلامي حركت مي‌كنند و خودشان و جامعه را دچار آسيب و آفت مي‌كنند:

داستان حريص نسبت به دنيا، داستان كرم ابريشم است كه دائماً در خود مي‌تند كه خودش را دفن كند؛ چون محصول كرم ابريشم جز اين نيست كه دور خود مي‌تند و خود را خفه مي‌كند و قبل از هر چيزي، خودش مي‌ميرد و محصولش را ديگري استفاده مي‌كند[2] (جوادي آملي، 1380: ص 223).

وظايف دولت در سياست گزاري‌هاي اقتصادي

تأكيدات آيت الله جوادي آملي در مديريت پيشرفت اقتصادي توسط نظام اسلامي، شامل موارد زير مي‌شود:

تلاش براي مديريت اسلامي در شؤون مختلفي كه يك اجتماع و نظام بايد داشته باشد (كاشت، داشت، برداشت و همه شؤون).

تلاش براي مديريت اسلامي در حلال بودن تمام شؤون و مراحل مختلف توليد، توزيع، مصرف و… به عنوان ركن و شاخصه لازم اقتصاد سالم (جوادي آملي، 1378: ص 109 و 110).

از نظر وي، سود اقتصادي حرام، نه فقط بر فرد، بلكه بر جامعه اثرات مخربي دارد. غذاي حلال و حرام، مثلاً در آينده نزديك به صورت بينش علمي يا گرايش عملي در مي‌آيد و سبب جزم صائب يا عزم صحيح يا سقيم خواهد شد و از اين رهگذر، در فرزند كه حامل وراثت‌هاي بدني و روحي پدر و مادر است، ظهور مي‌كند. شايد گوشه‌اي از معناي آيه (و شاركهم في الأموال و الأولاد) (اسراء: 64) همين تحليل باشد. نيز امام صادق عليه السلام مي‌فرمايد: «كسب الحرام يبين في الذرية» كسب حرام و آلوده، در نسل آينده ظاهر مي‌شود (جوادي آملي، 1380: ص173).

در مجموع، وي لوازم سياست گزاري‌هاي اقتصادي را از نظر اسلام در موارد ذيل خلاصه مي‌كند:

اصل مالكيت انسان‌ها در مقايسه با يك ديگر پذيرفته است؛ ولي تمام انسان‌ها در مقايسه با خداوند، امين و نايبند، نه مالك. مالكيت خصوصي، تا جايي است كه به فقر و حرمان جامعه منجر نشود.

مجموع اموال، متعلق به مجموع انسان‌ها است. مال، به منزله خون در عروق تمام جامعه است.

مال، به منزله خون بدن و به مثابه ستون فقرات جامعه انساني است.

قرار دادن مال در اختيار سفيه، ممنوع است و صرف آن به نحو اسراف يا اتراف ناروا است.

احتكار ثروت و اكتساء (پوشاندن) نان، ممنوع است و جريان آن لازم است.

جريان ناقص مال، ممنوع مي‌باشد و دور كامل آن لازم است.

جريان عمومي مال، گذشته از راه‌هاي پيش بيني شده در شرع مانند ارث و بخشش، همانا بر اساس تجارت با رضايت است؛ برخلاف تجارت بدون رضايت يا رضايت بدون تجارت: قمار و….

5. بررسي شاخصه‌هاي رشد صنعتي در مدينه فاضله

آيت الله جوادي آملي از ديگر شاخصه‌هاي پيشرفت مدينه فاضله را با بعد سياست گزاري‌هاي صنعتي مرتبط مي‌داند كه لازم است نظام اسلامي در الگوي پيشرفت، به آن توجه كند.روندي كه در مفهوم صنعت و صنعتي شدن لازم است، از صنايع دستي با قدمت چند هزار ساله را شامل مي‌شود تا صنايع مصرفي و توليدي كشاورزي، صنايع فضايي، هواپيمايي، الكترونيك و كامپيوترها «همچنين انقلاب صنعتي معاصر با محوريت ميكروپروسورها، رايانه‌هاي پيچيده تر، روبوت‌ها، انتقال از طريق فيبر نوري، مهندسي ژنتيك و كاربردهاي آن در كشاورزي، شيمي، انرژي و پزشكي و بهره گيري از ميكروپروسورها و رايانه‌ها در پزشكي و آموزش و ارتباطات… » (رزاقي، 1370: ص 51).

پيش از بررسي انقلاب صنعتي در دوران معاصر، به دو انقلاب صنعتي گذشته و تأثير آن در فرايند، نوع و شيوه توليد صنايع نيز مي‌توان اشاره كرد كه در نيمه دوم قرن هجدهم ميلادي و اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بيستم به وقوع پيوست.صنايع را مي‌توان در تقسيم‌هاي مختلفي از جمله: الف. صنايع كوچك روستايي، صنايع كوچك شهري و صنايع بزرگ، ب. صنايع سبك و صنايع سنگين، ج. صنايع مصرفي (سبك يا سنگين) و صنايع توليدي قرار داد (همان: ص 130 و 196).

آيت الله جوادي نقش فرايند صنعتي در پيشرفت همه جانبه نظام اسلامي را با توجه به آموزه‌هاي قرآني و قرائن آن در زندگي سليمان نبي، نوح عليه السلام و ذوالقرنين بررسي مي‌كند و اين كه فرايند صحيح صنعتي در سيره ائمه و پيشوايان ديني عليهم السلام مورد ترغيب است: «پيشوايان نظام اسلامي، عهده دار ترغيب به فراگيري كامل فرايند صحيح صنعتي و تعليم كيفيت بهره برداري از آن مي‌باشند» (جوادي آملي، 1378: ص 111)؛ پس:

1. فراگيري، تحصيل، تحقيق و آموزش فرايند صحيح صنعتي، مد نظر نظام اسلامي است.

2. در عرصه عمل هم آموزش بهره برداري خوب و بهينه از صنايع در جهت رشد نظام اسلامي و رسيدن به اهداف آن، مورد سفارش است.

آيت الله جوادي نمونه‌اي از رشد صنعتي در عصر حضرت سليمان عليه السلام را اين گونه مطرح مي‌كند: ‌«جريان ورود ملكه صبا به ساحت قدس سليمان عليه السلام و مشاهده قصر ظريف شيشه‌اي و پندار آب و بالا زدن پوشش پا، شاهد بر پيشرفت صنعت معماري، هنري و صنعتي آن عصر است» (همان).

وي، به طور خلاصه در باب شاخصه‌هاي پيشرفت صنعتي در نظام اسلامي به موارد زير اشاره مي‌كند:

اصل فرايند صنعتي در حكومت اسلامي ممدوح و مورد ترغيب است.

مهم‌ترين بهره درست از صنايع پيشرفته در هر عصر، عبارت است از نيازهاي علمي و عملي مردم آن عصر.

آنچه در قرآن ياد شده است، جنبه تمثيل دارد نه يقين؛ يعني در قرآن، مثال بهره‌وري صحيح از صنعت بازگو شده است، نه اين كه استفاده درست از صنعت منحصر در همين چند مورد باشد.

درباره الگوي صنعتي، صنعت كشتي سازي نوح عليه السلام الگويي براي ساخت و پرداخت هر گونه وسايل نقلي دريايي و زير دريايي ـ اعم از وسيله نقليه مسافر، بار و مانند آن ـ ‌و نيز وسايل نقلي زميني و هوايي به طور عام است. صنعت زره بافي حضرت داوود عليه السلام، الگويي براي شناخت هر گونه وسائل دفاعي خواه برابر تير جنگي و مانند آن باشد و خواه برابر سموم شيميايي و مانند آن و صنعت معماري و كارهاي دستي و ظرايف هنري. نيز ساختن ظروف فلزي سليمان عليه السلام نمونه‌اي براي ساختن هر گونه لوازم زندگي است كه نيازمندي‌هاي فردي يا گروهي و همچنين نيازمندي‌هاي هنري و ادبي توسط آن برطرف مي‌شود (همان: ص 113).

شناخت تسليحات ـ حتي نوع كشنده و تخريبي آن ـ براي نظام اسلامي لازم است؛ اما از نظر آيت الله جوادي، تحقيق و آشنايي با انواع تكنولوژي پيشرفته، با استفاده از آن‌ها متفاوت است:

استفاده از تكنولوژي در تمام امور سازنده و سودمند روا است؛ ولي بهره برداري از آن در امور تخريبي و تهاجمي و سوزنده و كشنده و تباه كننده زمين، دريا، هوا، گياهان، جانوران، انسان‌ها، مناطق معمور و… هرگز روا نيست. با اين مسأله مي‌توان فرق ميان كادر صنعتي در مدينه فاضله كه هدف حكومت اسلامي است را با كادر صنعتي كشورهاي مهاجم و مخرب و مدعي تمدن بررسي نمود (همان: ص 114).

همچنين توجه به حفظ محيط زيست و حتي توسعه و رونق فضاي سبز و آباداني كشور، از وظايف مورد توجه كارگزاران پيشرفت صنعتي مي‌باشد. «صنايع تجربي موظفند در راستاي تأمين سعادت و سلامت همه بشر جهت‌گيري كنند؛ چنان كه مكلفند حقوق طبيعي هر موجود ديگر را اعم از دريا و آبزيان هوا و پرندگان و استنشاق كنندگان از آن و نيز هر پديده طبيعي ديگر را رعايت نمايند و هرگز به هلاكت نسل رضايت ندهند» (جوادي آملي، 1380: ص 195).

با رعايت اين گونه موازين و رعايت حقوق ديگر موجودات است كه حوزه فعاليت در توليدات صنعتي «محدود به نقطه خاصي نيست؛ بلكه از اعماق درياها تا اوج آسمان‌ها و فراخناي خشكي و صحرا ميدان كار و تلاش است» (همان: ص 154). از طرفي خداوند، زمينه هر گونه نوآوري و ابداع را براي ما فراهم ساخته است: ‌

خداي سبحان، همه مواد خام و لازم براي هر گونه ابتكار را در سفره سنت الهي قرار داده است و زمينه هر گونه صنعت بديع و هر نوع نوآوري را در نهان بشر نهادينه كرده است، تا اصل كار از سادگي صدف به پيچيدگي گوهر بار يابد و از تكرار پرهيز شود و به سمت خلاقيت، جهت گيري شود» (همان: ص 162).

6. بررسي شاخصه‌هاي رشد حقوقي درمدينه فاضله

همان طور كه در بخش‌هاي قبل هم متذكر شديم، آيت الله جوادي آملي معتقد است: «قوانين اسلامي و مسؤولان ديني، عهده دار تبيين و تحقيق رشد حقوق داخلي و بين المللي هستند» (جوادي آملي، 1378: ص 114). سلاح‌هاي صنعتي و اقتصادي بدون صلاح حقوقي و اخلاقي، زمينه تباهي را فراهم مي‌كنند و جنگ جهاني اول و دوم، گواهي بر صدق همين مطلب است. حقوق، مجموعه قواعد و مقرراتي است كه به وسيله قوه مقننه وضع مي‌شود تا روابط بين مردم يك جامعه را تحت نظم درآورد و از طرفي نظم عمومي را در جامعه مستقر مي‌كند.

حقوق، از لحاظ قلمرو حكومت و حدود تنظيم روابط، به دو دسته تقسيم مي‌شود:[3]

حقوق داخلي (در داخل مرزها)

حقوق خارجي يا بين الملل (در بين ملت‌ها و دولت‌ها)

هر يك از اين دو دسته نيز به دو دسته تقسيم مي‌شوند و در مجموع چهار نوع را تشكيل مي‌دهند: 1. حقوق داخلي خصوصي (روابط افراد با هم) 2. حقوق داخلي عمومي (روابط افراد دولت) 3. حقوق بين الملل خصوصي (اتباع كشورها با هم) 4. حقوق بين الملل عمومي (روابط دولت ها). قصد ما، بحث تفصيلي درباره اين‌ها نيست؛ اما بايد دانست لازمه رشد حقوقي، توجه به همه ابعاد و زواياي حقوق داخلي و بين المللي است.

در بُعد حقوقي آيت الله جوادي اصول و عواملي را براي سياست‌گزاري در نظام اسلامي مي‌شمارند: )جوادي آملي، 1378: صص 116-114).

نفي هرگونه سلطه‌گري و سلطه‌پذيري: (لاتَظلِمون و لاتُظلَمون) (بقره: 279).

رعايت عهدها و مواثيق بين المللي: سيره و روش ابرار است كه وقتي عهدي مي‌بندند، به آن وفا مي‌كنند. از سوي ديگر، خداي سبحان مشركان و كافران را به دليل بي‌تعهدي و نقض عهد چنين نكوهش مي‌كند: (الذين عاهدت منهم ثم ينقضون عهدهم في كل مره) (انفال: 56).

اهتمام حكومت اسلامي براي برقراري نظام تعهد و قانون و عمل به پيمان و احترام به ميثاق، براي آن است كه جامعه متعهد، از امنيت حقيقي برخوردار شود.

به نظر اين عالم فرزانه، امنيت در پرتو رعايت حقوق فراهم مي‌شود. همچنين حقوق و رعايت آن، براي همه اقشار ضروري است و كسي اجازه ندارد با خوي استكبار و پيمان شكني به برتري‌جويي و ايجاد اختلال در تعادل اجتماعي بپردازد، تا جايي كه كفار نه به جهت بي‌ايماني‌شان، بلكه به لحاظ عدم تعهد، مطرود و مورد مبارزه هستند (رك: توبه: 12). وي، مشكل حقوق بين الملل را در پيمان شكني زورمداران عصر حاضر معرفي مي‌كند كه در پي آن، سازمان بين الملل هم نارسا شده است.

رعايت امانت و پرهيز از خيانت در اموال و حقوق: دستور خداوند، لزوم رعايت امانت و بازگرداندن آن به صاحبش است.(نساء: 58) تأثير احترام متقابل به امانت‌هاي يك‌ديگر در برقراري امنيت و آزادي در تأسيس مدينه فاضله كاملاً واضح است.

زواياي رشد حقوقي

از زاويه‌اي ديگر، پيشرفت حقوقي را مي‌توان در سه بعد نظري، اجرا (يا ضمانت اجرا) و نظارت هم در الگوي مدينه فاضله بررسي كرد (جوادي آملي، 1378: ص 88 و 89).

بُعد نظري: در جامعه ديني و نظام الهي، قانونگذار، معصوم و مصون از جهل و خطا است. او منفعت طلب و سودجو نيست، تا به سود افراد يا گروهي قانون وضع كند و در اين قانون، عرب و عجم فرقي ندارند (مؤمنون: 37). سياه و سفيد و سرخ تفاوتي با هم ندارند: «و أرسلتُ إلي الأبيض والأسود والأحمر» (مجلسي، 1403ق: ج 16، ص 326) و انسان‌ها، مانند دندانه‌هاي شانه، يكسان و مساويند: «الناس سواء كأسنان المشط» (همان: ج 75، ص 251).

در بُعد اجرا: مجريان نخستين اين قانون، انسان‌هاي وارسته و معصومند. در عصر غيبت نيز كارگزاران حكومت ديني، كساني هستند كه انگيزه حفظ قانون و عمل به آن را دارند و آن انگيزه، از همان اعتقاد و عبادت ايشان برمي خيزد. اگر بر اساس غفلت يا تغافل، شخص دنياطلبي در جامعه ديني مسؤوليتي را عهده‌دار شد و آخرت را با دنيا معامله كرد، مؤمنان متعهد چنين جامعه ديني‌اي، او را خلع كرده و از قلمرو پيش‌كسوتان ديني طرد مي‌نمايند.

نقش مردم در رشد حقوقي: اسلام، براي اين كه نظام الهي از هر گزندي محفوظ بماند، مردم را نيز ناظر ملي معرفي كرده است. اين گونه نيست كه مردم، فقط مشمول قانون باشند و هيچ سمت ديگري نداشته باشند. اسلام، مردم را ناظر حسن اجراي قانون ديني و الهي قرار داده و امر به معروف و نهي از منكر را بر همه واجب كرده است. تذكر اين نكته لازم است كه قانون الهي، خود از منابع بسيار مهم حقوق و قانون‌گزاري در قوه مقننه است كه اعمال نظارت بر رعايت موازين آن از سوي شوراي نگهبان صورت مي‌گيرد.

از نظر آيت الله جوادي لازمه پيشرفت كشورهاي جهان ـ به ويژه نظام‌هاي به اصطلاح توسعه يافته ـ صلح عادلانه جهاني يا رشد حقيقي بعد حقوقي در اين جوامع است: «هرگونه توسعه جهاني خواه تجارت يا سياست يا امور ديگر، در پرتو صلح عادلانه جهاني جلوه مي‌كند، وگرنه توسعه آن امور، محصولي جز فساد و ناامني ندارد» (جوادي آملي، 1380: ص 191).

راه رسيدن به صلح جهاني، جلوگيري از تعدي به حقوق ديگران و منع از گسترش فساد جهاني است:

به منظور صلح جهاني پايدار [كه مورد تأكيد اسلام است]، نه تنها نبايد تن به تباهي ظلم داد و به آن مباهات كرد، بلكه بايد جلوي هرگونه تعدي را گرفت، وگرنه فساد اولًا زمينه ضعف مراكز عبادي – فرهنگي را فراهم مي‌كند و ثانياً به گستره زمين و اهل آن مي‌رسد (همان: ص 180).

از نظر وي، راه تأمين صلح عادلانه به كيفيت بهره وري از علوم عقلي كامل شده توسط اسلام برمي گردد:

اسلام با تكميل علوم عقلي، كيفيت بهره وري از آن‌ها را در تأمين صلح عادلانه جهاني بر عهده دارد. عناصر محوري علوم عقلي مانند كلام، حكمت، عرفان و… را معرفت خدا و شناخت اسما و صفات علياي او تشكيل مي‌دهد و سهم مؤثر ثقلين [قرآن و عترت] در طرح معارف، توسعه، تعليل و تبيين آن، به طوري كه از گزند اضلال، آسيب اغوا و خطر مغالطه مصون باشد…‌ (همان، ص 182).

شاخصه‌هاي ذيل از جمع‌بندي مباحث رشد سياست گزاري‌هاي مدينه فاضله در عرصه قانون و حقوق ذكر مي‌شود:

تبيين و تحقيق براي رشد حقوق داخلي و بين المللي، به واسطه «قوانين اسلامي» و از طريق «مسؤولان ديني» در مدينه فاضله صورت مي‌گيرد.

تساوي حقوق و رعايت قوانين براي همه اقشار مدينه فاضله، ضروري است.

صلح جهاني پايدار (عادلانه) در قوانين مدينه فاضله مورد تأكيد است.

صلح جهاني عادلانه به كيفيت بهره گيري از علوم عقلي و تكميل آن توسط اسلام بر مي‌گردد.

نتيجه گيري

همانطور كه در هر كشوري رشد و پيشرفت از موضوعات اساسي است، در مدينه فاضله هم از مسائل محوري مد نظر نظام اسلامي مي‌باشد. اما در اين نظام، پيشرفت، سطحي، تك بعدي يا منحصر به رفاه دنيايي نيست؛ بلكه راه و سياستي مي‌باشد كه با احكام و قوانين الهي آميخته شده است. در الگوي مدينه فاضله كه جمهوري اسلامي ايران به آن توجه دارد، رشد در تمام ابعاد آن، فقط با محوريت رهبري و مديريت الهي او پيگيري مي‌شود. سپس مي‌توان اين پيشرفت را با ياري كارگزاران و مديران شايسته، در ابعاد متعددي ـ اعم از حوزه‌هاي فرهنگي و زير مجموعه‌هاي آن، ابعاد حقوقي و شاخه‌هاي آن و در بخش اقتصادي و صنعتي و مسائل مرتبط با آن ـ در جامعه و نظام اسلامي ايجاد كرد. در واقع، اسلام و الگوي مدينه فاضله، از اين‌گونه محورهاي اساسي حيات متعالي بشريت در حوزه‌هاي مرتبط با مسؤوليت اجتماع و حكومت غافل نيست؛ لذا نظام اسلامي ايران هم با محوريت ولايت فقيه در عصر غيبت، در تمام اين ابعاد، پيرو نظام رشد يافته در مدينه فاضله با محوريت امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف يا انسان كامل خواهد بود.

منابع و مآخذ

قرآن مجيد

1. آمدي، عبدالواحد، غرر الحكم و دررالكلم، بي‌جا، بي‌تا.

2. احمدي، عليرضا، اسلام و توسعه اقتصادي، مجله ابرار اقتصادي، ش 5، 11/2/1378ش.

3. جوادي آملي، عبدالله، امام مهدي موعود موجود، قم، اسراء، 1387ش.

4. ، انتظار بشر از دين، قم، اسراء، 1380ش.

5. ، بنيان مرصوص امام خميني، چ ششم، قم، اسراء، 1384ش.

6. ، تفسير موضوعي قرآن، ج 8، تهران، رجاء، ‌1374ش.

7. ، شكوفايي عقل در پرتو نهضت حسيني، چ3، قم، اسراء، 1384ش.

8. ، مجموعه سخنرانيها پيرامون ولايت فقيه، قم، دفتر انتشارات اسلامي، 1363ش.

9. ، نسبت دين به دنيا، چ2، قم، اسراء، 1381ش.

10. ، ولايت فقيه ولايت فقه و عدالت، قم، اسراء، 1378ش.

11. راد، فيروز، جامعه شناسي توسعه فرهنگي، تهران، انتشارات چاپ بخش، 1382ش.

12. رزاقي، ابراهيم، الگويي براي توسعه اقتصادي ايران، ج 2، تهران، نشر توسعه، 1370ش.

13. كاتوزيان، ناصر، مقدمه علم حقوق، چ نوزدهم، تهران، نشر مدرس، 1374ش.

14. كليني رازي، محمد بن يعقوب، اصول كافي، پيشين، ج2، قم: مؤسسه معارف الاسلامية، 1414ق.

15. لاريجاني، محمد جواد، تدين، حكومت و توسعه، تهران، مؤسسه فرهنگي انديشه معاصر، 1377ش.

16. مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، چ دوم، بيروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ق.

17. واحدي، قدرت الله، مقدمه علم حقوق، چ دوم، تهران، نشر گنج دانش، 1380ش.

 [1]. در تبيين درست و توسعه يافته مثالي مي زنند : «خدا است كه براي شما دريا را مسخر كرد، تا كشتي به امر او در آن، جاري شود و از فضل خدا طلب كنيد شايد شكر نعمتش را به جا آريد...».

[2]. اشاره به حديثي از امام باقر عليه السلام. ر.ك: كليني، پيشين: ص 316.

[3]. جهت آگاهي ر.ك: واحدي، 1380؛ كاتوزيان، 1374.